

نوع مقاله: ترویجی

تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی با تقویت و ارتقا جایگاه تربیتی آنها

kharestani57@yahoo.com

اسماعیل خارستانی / دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبائی

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

دریافت: ۹۹/۱۱/۱۱

چکیده

فضای معنوی حاکم بر بقاع متبرکه، زائران را آماده پذیرش تربیت‌های اسلامی و معنوی می‌کند و برطرف کردن دغدغه‌های افراد جامعه می‌تواند انگیزه آنها را برای حضور در این مراکز بیشتر کند. از این رو، هدف اصلی تحقیق بررسی راه‌های تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی با تقویت و ارتقا جایگاه تربیتی آنهاست، که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. بهره‌گیری از مریبان توانمند و متخصص در بقاع متبرکه، فضاسازی و برنامه‌ریزی برای انجام مراسمات مناسب با شرایط سنی، از جمله مهم‌ترین راه‌کارهای تقویت و ارتقا بعد تربیتی بقاع متبرکه، تقرب به خدا، تقویت روحیه امید در فرد و جامعه، امنیت روانی فرد و جامعه، از جمله آثار تربیتی حضور افراد در بقاع متبرکه و زیارت امام‌زادگان است که در این تحقیق احصا و بررسی گردید. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که بقاع متبرکه به‌عنوان کانونی برای تربیت و تزکیه انسان‌هاست و لازم است تا برنامه‌ریزی‌های هدفمند از این ظرفیت آن گونه که شایسته است، بهره‌گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: بقاع متبرکه، جایگاه تربیتی، قطب فرهنگی، فرهنگ.

مقدمه

در مذهب تشیع در میان بقاع متبرکه، امامزادگان برای معتقدان، جایگاه ویژه‌ای دارد و شیعیان آن را مکانی می‌دانند که مزار اعیان پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ است. در عقیده مسلمانان، مقدسین، اولیاء الله (دوستان خدا) نامیده می‌شوند؛ نامی که دلالت ضمنی بر یک رابطه باطنی و ذهنی دارد تا رابطه‌ای جسمی و عینی (روسن، ۲۰۰۴، ص ۲۰).

در خصوص موضوع پژوهش، یعنی تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی با تقویت و ارتقا جایگاه تربیتی آنها، تحقیق خاصی انجام نشده است. اما در ارتباط با تبدیل بقاع به قطب فرهنگی و یا کارکردهای بقاع، تحقیقاتی انجام شده که به برخی از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع تحقیق حاضر دارد، اشاره می‌شود.

تیموری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامزاده‌ها، بقاع متبرکه و روادگاه‌های ایوان»، به این نتیجه رسید که بارگاه امامزادگان و بقاع متبرکه در این شهرستان، به قطب فرهنگی منطقه تبدیل شده است؛ و وجود این اماکن، آرامش روحی و روانی مردم را در پی داشته و در تعاملات اجتماعی و مراودات بین شهری تأثیر بسزایی دارد.

سیاوشی و سلیمانی‌فر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بقاع متبرکه به‌مثابه قطب فرهنگ» اموری همچون تلاش برای نهادینه‌سازی و گسترش فرهنگ زیارت از رهگذار معرفت‌افزایی نسبت به جایگاه امامزادگان، برگزاری وزین سنت‌ها و آداب دینی، ایجاد آرامش و آسایش برای زائران برپایی حوزه‌های علمیه (در برخی از اماکن)، برپایی کانون‌های آموزش معارف قرآن و عترت، توسعه فرهنگ وقف و جلب کمک‌های مردمی، برپایی مراکز آموزش سبک زندگی و مشاوره، به‌ویژه مهارت‌های زندگی، برنامه‌ریزی اقتصادی جهت تأمین هزینه‌ها، به‌عنوان تبدیل بقاع متبرکه به‌عنوان قطب‌های فرهنگی معرفی گردیده است.

ایمانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقش فرهنگی بقاع متبرکه در جامعه» به این نتیجه رسید که اماکن مقدسه همواره باعث تقویت احساس دینی و آشنایی و تثبیت و تحکیم ولایت، ایجاد وحدت کلمه و جذب جوانان، تبادلات فرهنگی در جامعه و هویت‌بخشی در جامعه می‌شوند. نقش بقاع متبرکه را در سلامت اخلاقی افراد و جوامع و رشد اخلاقیات نمی‌توان انکار کرد و در سایه رشد و نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در جامعه است که می‌توان به تمدنی

فرهنگ یک جامعه از امور مهم در ساختار تربیت انسان‌هاست. فرهنگ عمومی و آداب اجتماعی می‌توانند نقش منافع یا مقتضی تربیت فطری را ایفا کنند. در جامعه‌ای که فرهنگ منحط و مناسبات و روابط اجتماعی پست حاکم است؛ انتظار تربیت صحیح، انتظاری دور از واقع است. در جامعه‌ای که ارزش‌ها، ضد ارزش تلقی شود و نیکی‌ها، بدی شمرده گردد، سیر انسان‌ها به‌سوی کمال مطلوب بسیار دشوار است. محیط ناسالم و اجتماع واژگون، انسان‌ها را تحت فشار روانی و اجتماعی قرار می‌دهد تا هم‌رنگ جامعه و هم‌سوی دیگران شوند و این خود از موانع جدی تربیت است.

اسلام دین جامع و آرمان‌خواهی است؛ بنابراین به مسئله فرهنگ بسیار اهمیت و بها داده است. چنانچه فرهنگ اصیل اسلامی در جامعه حاکم شود، به یقین بسیاری از مشکلات، از جمله مشکلات تربیتی به‌وجود نمی‌آید.

عده‌ای از اندیشه‌وران علوم آموزش و پرورش با تأکید بر معنای تربیتی فرهنگ، و با اذعان به جنبه نظام‌دار بودن فرهنگ، از آن به‌عنوان «نظام ارزش‌ها و هنجارها و اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری» تعبیر کرده‌اند (امیری، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

نقطه مشترک و مرجع تمامی معانی که برای فرهنگ در کتب لغت و متون علمی آمده است، همان فضیلت انسانی است که از طریق تربیت و کسب دانش احراز می‌گردد (پژوهنده، ۱۳۷۴، ص ۷۱). امروزه به تعلیم و تربیت نه به‌عنوان یک ابزار، بلکه یک فرهنگ تأثیرگذار می‌نگرند. هرگونه تغییر اجتماعی و حرکت اصلاح‌طلبانه باید از طریق تعلیم و تربیت، آن هم معطوف به نسل جوان و نوجوان آغاز شود و آموزش و پرورش می‌تواند به‌عنوان نهاد پیشرو به این اهداف مدد رساند (کریمی، ۱۳۸۰، ص ۲۲).

از این‌رو، توجه به نیازهای انسان که موضوع تربیت است، همواره منبعی مهم و بلکه تنها منبع برای انتخاب و گزینش غایات تربیتی بوده است (اعرافی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

دین مقدس اسلام دارای نظامی فراگیر و شامل است و هر متخصص متعهد و منصفی از هر فنی، به نحوی با نظرات دین اسلام سروکار دارد؛ زیرا اسلام همانند دیگر ادیان الهی بر تمام شئون انسانی اعم از اقتصاد، اجتماع، سیاست، حکومت و... بخصوص حوزه تعلیم و تربیت اشراف دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۹۳).

یا یکی از عرفا و دانشمندان و حکمرانان یا شخص معتبری را دربر گرفته باشد و به‌طور عمده مقبره امامزادگان را بقعه می‌نامند (خرمشاهی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۰۰).

۱-۲. امامزاده

امامزاده، فرزند یا نوه یکی از امامان دوازده‌گانه است. شخصی که بلافاصله یا با واسطه کم از نسل امام باشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل مدخل امامزاده). در عرف تشیع مراد از امامزاده، فرزندان یا فرزندزادگان ائمه اطهار^ع است و اصطلاحاً از باب ذکر حال و اراده محل، به مدفن و مزار متبرکه آنان و بزرگان سادات، که در سراسر شهرها و روستاهای ایران پراکنده است، اطلاق می‌گردد (خرمشاهی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۹۳).

۱-۳. فرهنگ

شورای انقلاب فرهنگی، فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «بینش و منش هویت‌دهنده انسان در حوزه زندگی اجتماعی که به‌عنوان فرآورده عالی ذهن و فرایند پیچیده و پیشرفته فکر آدمی تحت تأثیر علل و عوامل موجود در تمامی کارکردها و کلیه مظاهر مادی و معنوی حیات وی تجلی می‌یابد و کلیت هم‌تافته و به‌هم‌پیوسته‌ای از باورها، فضائل و ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها و فنون، آداب و اعمال جامعه را شامل شده و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی هر ملت است» (باباخانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

تی‌اس‌ال‌یوت - شاعر و نویسنده انگلیسی - فرهنگ را «شیوه زندگی» معرفی کرده است؛ نه صرفاً مجموع فعالیت‌های انسان (الیوت، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

۱-۴. تربیت

تربیت به مفهوم عام آن، شامل جنبه‌های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است؛ و هریک از این ابعاد به لحاظ روان‌شناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد (شریعتمداری، ۱۳۷۹، ص ۱۹۱-۱۹۲). هدف کلی از تربیت «خداگونه شدن» و رسیدن به مرحله‌ای است که انسان محبوب و مرضی خداوند متعال شود. از تربیت، تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ از آن جمله «تربیت، فعالیت است مداوم و جامع برای رشد و تعالی انسان، غنای فرهنگ و تکامل جامعه» (صفوی، ۱۳۶۹، ص ۲۴).

پیشرفته دست یافت. حفظ فرهنگ جامعه از هرگونه تهاجم و تعرض فرهنگی، پیشگیری از جرم و جنایت یکی دیگر از نقش‌های فرهنگی بقاع متبرکه است.

در تحقیقات فوق، بعد و کارکرد فرهنگی بقاع متبرکه بررسی شده است؛ درحالی‌که در تحقیق حاضر نقش و جایگاه تربیتی امامزادگان و بقاع متبرکه بررسی خواهد شد که از این نظر جدید و نو می‌باشد.

امامزادگان در بقاع متبرکه مدفون هستند و مزارشان محل زیارت، دعا و تزکیه روح بوده و موجب تسلی دل‌هاست. بنابراین نباید نقش بقاع متبرکه که یکی از سالم‌ترین محیط‌ها برای کسب فضایل انسانی و تربیت افراد جامعه است را فراموش کرد.

از سوی دیگر، شالوده یک جامعه سالم، با تربیت درست شکل می‌گیرد. با تربیت صحیح می‌توان جامعه‌ای بالنده و پویا و صالح ساخت. در این خصوص بقاع متبرکه می‌توانند نقشی سازنده و اساسی ایفا کنند؛ چراکه بقاع متبرکه مدفن امامزادگانی است که تربیت‌یافتگان مکتب قرآن و اهل‌بیت^ع هستند و این اماکن متبرکه باید مرکز تربیت، ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، دینی و قرآنی باشد.

از این‌رو، مسئله اصلی تحقیق این است که چه راه‌کارهایی برای تقویت و ارتقا جایگاه تربیتی بقاع متبرکه در جهت تبدیل این اماکن به قطب فرهنگی وجود دارد؟

این تحقیق درصدد پاسخ به سؤالات ذیل می‌باشد:

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: ارتباط بین تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی با تقویت و ارتقا جایگاه تربیتی آنها چیست؟ سؤال‌های فرعی نیز بدین قرارند: نقش تربیتی بقاع متبرکه در زندگی و فرهنگ افراد جامعه چیست؟ دلایل اهمیت و ضرورت بقاع متبرکه به‌عنوان جایگاه مهم تربیتی کدامند؟ برای تقویت و ارتقا بعد تربیتی بقاع متبرکه چه راه‌کارهایی وجود دارد؟ حضور افراد در بقاع متبرکه و زیارت امامزادگان چه آثار تربیتی به دنبال دارد؟

۱. تعاریف و اصطلاحات

۱-۱. بقاع

بقاع جمع بقعه است. واژه بقعه در زبان عربی به معنی پاره‌ای از زمین است که از نظر رنگ و ویژگی‌های دیگر، از پیرامونش قابل تشخیص باشد. در زبان فارسی به‌طور معمول، مراد از واژه بقعه عبارت است از: مقبره و آرامگاهی که جسد یک شخصیت مذهبی و

سعادت مطلوب خویش را کسب می‌کند؛ از این رهگذر برای انسان مسلمان، تربیت اسلامی ضرورتی مضاعف دارد. از سویی دیگر، چنین انسان مسلمانی برای پیمودن راه سعادت و بندگی، احتیاج به الگوهای مطمئن عملی دارد تا با نصب‌العین قراردادن دیدگاه‌ها و سیره عملی آنان، هم راه صحیح بندگی و سعادت را بیاماید و هم در این وادی سریع‌تر گام نهد و سریع‌تر به مقصد نایل آید.

امام‌زادگان به‌عنوان الگوهای مطمئن، نقشی بزرگ در تربیت به‌ویژه تربیت معنوی افراد جامعه دارند. در بقاع متبرکه آموزه‌های دینی، اخلاقی، عرفانی و معنویت، جنبه عملی به خود می‌گیرد؛ چراکه امام‌زادگان در دوران حیات، افزون بر آنکه به طرح اندیشه‌سیاسی شیعه در قالب دعا و زیارت می‌پرداختند، در ایجاد فرهنگ معنوی دعا و مناجات و تقویت پیوندهای روحی مردم با خداوند، تلاش‌های زیادی داشتند و اکنون بقاع متبرکه که مرقد این بزرگواران در آن است نیز از جایگاه تربیتی بالایی برخوردارند. با این نگرش نقش فرهنگی و اجتماعی آنان نیز با همین تناسب چشمگیر بوده است. در یک نگاه کلی می‌توان به نقش امام‌زادگان در جهت غنابخشیدن و ارتقای علمی و عملی و فرهنگی جامعه در عرصه‌های مختلف از طریق دایر کردن حلقه‌های درسی و محافل علمی (رحمانی ولوی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷ و ۲۸۲)، تبلیغ و عطا و ارشاد اشاره کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۰).

براین اساس حضور در بقاع متبرکه و زیارت امام‌زادگان، در تربیت و در توسعه و تعمیق ارزش‌های دینی، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد. از این‌رو، زیارت امام‌زادگان در فرهنگ نیز نقش و فواید زیادی دارد که افراد را در حیات، بالندگی و پالایش فرهنگی یاری می‌رساند. با توجه به پیچیدگی پدیده‌های انسانی که فرهنگ بخش عمده‌ای از آن را تشکیل می‌دهد، برنامه‌ریزی و تفکیک نقش‌ها برای حفظ، اصلاح، ایجاد تغییرات بنیادین در فرهنگ و تجدید حیات فرهنگی نقش اساسی دارد. به جهت ترغیب شیعیان به زیارت امام‌زادگان و به تبع آن تأثیرپذیری از فضای معنوی مقابر و زنده‌شدن فضایل اخلاقی در وجود شیعیان، به زیارت امام‌زادگان به‌طور عمومی و خصوصی توصیه شده است. در روایتی جابرین *عبدالله انصاری* از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: «هرکس فاطمه را زیارت کند، مرا زیارت کرده و هرکس علی را زیارت کند، گو اینکه فاطمه را زیارت کرده و هرکس حسین علیه السلام را زیارت کند، گو اینکه علی علیه السلام را زیارت کرده و هرکس فرزندان حسین علیهم السلام را زیارت کند گو اینکه حسن علیه السلام و

تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل همه‌جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به‌سوی وجود کامل مطلق با برنامه‌ای منظم و سنجیده، مبتنی بر اصول و محتوای ازپیش‌تعیین‌شده. بنابراین تربیت فرایندی مداوم و پیوسته است که در تمام مراحل زندگی انسان موثر است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۵).

۱-۵. قطب فرهنگی

تمرکز بخشیدن به فعالیت‌های فرهنگی جهت نظام بخشیدن به مناسبات انسانی به‌صورت علمی و عملی.

براساس تعریف فوق، اهداف قطب فرهنگی شدن بقاع متبرکه عبارتند از: افزایش مشارکت مردم در کلیه فعالیت‌های مربوط به بقاع متبرکه، پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی کشور، فراهم ساختن زمینه تربیت دینی و معنوی افراد جامعه، ایجاد محیط فرهنگی پویا و با نشاط و در نهایت توسعه و تعالی موقعیت فرهنگی کشور.

۲. نقش تربیتی بقاع متبرکه در زندگی و فرهنگ

افراد جامعه

اگرچه در اسلام کلمه خاصی برای فرهنگ، مشخص نشده است؛ لکن در تمامیت وسعت حوزه تعلیماتی آن، همه قلمرو فرهنگ به‌طور کامل تبیین گردیده است. موضوعاتی همچون تعلیم، تربیت، تزکیه، حقوق فردی و اجتماعی، آداب معاشرت و سلوک اجتماعی، حسن خلق، مروت، تحمل دیگران، حسن تدبیر، عمران، جمالات، کمالات، بدایع و فضایل و... که میزان آنها از نظر حجم مطلب به مراتب از احکام الزامی و عبادی بیشتر است.

از این‌رو، بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین رسالت اسلام این است که انسان را با نظام کلی هستی - که نظام احسن است - بر محور توحید و اعتقاد به یگانگی خداوند آشنا کند و با شناخت صحیح از این نظام، جهان‌بینی توحیدی را در حوزه اعتقادش به‌وجود آورد و از لحاظ شخصیت روحی و اخلاقی، براساس این جهان‌بینی، با نظام تربیتی ویژه او را به آن نقطه برساند که مظهر صفات جمال و جلال خداوند گردد. بنابراین تربیت نه‌تنها لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی، که متن آن است. انسان تنها در پرتو تربیت صحیح است که به‌عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یافته و

حسین^ع را زیارت کرده است» (طبری، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹).

در این روایت به طور عموم فضیلت زیارت امامزادگان معادل زیارت امامان معصوم^ع قرار داده شده که دوستداران اهل بیت^ع تنها به زیارت قبور معصومان اکتفا نکنند و مرقد هریک از امامزادگان معصوم به پایگاهی برای تعالی روح انسانی تبدیل شود. اگر همه کس را توفیق هجرت به سوی قبور مطهر ائمه^ع نیست، آنچه تقریباً در تمامی بلاد یافت می‌شود، بارگاه مطهر امامزاده‌ای از امامزادگان است که با فیض حضور در محضرش می‌توان روح را معطر ساخت.

بدین ترتیب توجه به خدا، تقرب به خدا، تحول روحی، توبه و دوری از گناه، توکل، امام‌شناسی، تولی و تبری، ساده‌زیستی راست‌گویی از جمله مواردی است که انسان مسلمان به دنبال آن است و بقاع متبرکه بهترین مکان برای تحقق آنهاست. براین اساس است که بقاع متبرکه در فرهنگ و در زندگی نقش برجسته‌ای دارند؛ چراکه امامزادگان مریانی هستند که افراد را به سرمنزل مقصود هدایت می‌کنند.

۳. دلایل اهمیت و ضرورت بقاع متبرکه به عنوان جایگاه مهم تربیتی

۳-۱. هم‌راستا بودن اهداف تربیت و اهداف حضور در بقاع متبرکه

انسان شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت اوست. انسان مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات است و آفریده شده تا به مقام خلیفه‌الهی برسد و این جز با تعلیم و تربیت صحیح امکان‌پذیر نیست. بهترین راه برای تربیت انسان، شناخت اهداف تربیت است. هدف در تعلیم و تربیت، به معنای دستیابی به وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵). دانشمندان مسلمان برای تعلیم و تربیت اهداف گوناگونی ذکر کرده‌اند که اغلب در آرمان‌هایی مانند رسیدن به کمال، هدایت به سوی سعادت، آزادی و رستگاری، عدالت‌خواهی، رسیدن به قرب الهی و... مشترک هستند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۷۷). حضور افراد در بقاع متبرکه و زیارات امامزادگان نیز برای رسیدن به این اهداف است. بنابراین حضور در بقاع متبرکه و زیارت امامزادگان همان اهدافی را دنبال می‌کند که تربیت به دنبال آن است.

۳-۲. بقاع متبرکه محلی مناسب برای شناخت و بصیرت

یکی از دلایل اهمیت جایگاه تربیتی بقاع متبرکه آن است که این اماکن از مهم‌ترین مکان‌های شناخت و بصیرت است. در پرتو این معیار، تلقی آدمی از امور دگرگون می‌شود. این دگرگونی از جمله لوازم قطعی تغییر رفتار و اعمال آنان است؛ زیرا نوع تلقی، یکی از مبانی مؤثر در نوع رفتارها و اعمال است.

بصیرت و بینش اگرچه با علم و آگاهی از یک جنس هستند؛ اما معنای آن خاص‌تر از علم و آگاهی است. بصیرت همان علم و آگاهی عمیق و گسترده است؛ درحالی‌که آگاهی و علم، می‌تواند سطحی و کم‌دامنه و گاه گمراه‌کننده باشد. به عبارت دیگر، بصیرت، روشنایی و بینایی دل است و علم، بینایی و روشنایی ذهن. براین اساس، خداوند متعال گاهی برای منحرفان، صفت علم و آگاهی را به کار می‌برد؛ اما همواره بینش و بصیرت را از آنان منتفی دانسته است: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أْبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ» (انعام: ۱۰۴)؛ به‌راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است؛ پس هرکه به دیده بصیرت بنگرد، به سود خود اوست و هرکس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست، و من بر شما نگهبان نیستم. بنابراین حضور مداوم افراد در بقاع متبرکه که علاوه بر انجام عبادات، به واسطه مراسم‌هایی که به مناسب‌های مختلف برگزار می‌گردد، در تقویت بصیرت آنها نقش مهمی دارد. که به همین دلیل بقاع متبرکه به عنوان جایگاه مهم تربیتی برای بصیرت‌افزایی است.

۳-۳. هم‌راستا بودن کارکردهای بقاع متبرکه با ابعاد و ساحت‌های انسان

امامزادگان آرامگاه‌های مقدس و اماکن متبرک مذهبی، از جمله پایگاه‌هایی هستند که قدرت تأثیرگذاری و کارکردهای آن در ابعاد و ساحت‌های مختلف زندگی انسان‌ها به خوبی مشهود است (یوسفی جولندان، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۵۷). انسان نیز دارای ابعاد و ساحت‌های مختلف بوده و علاوه بر جسم ظاهری، دارای روحی است که خداوند به واسطه آن انسان را از سایر موجودات متمایز کرده است؛ اهل فکر و اندیشه بوده، دارای گرایش‌ها و عواطف مختلف است و رفتار او تنها از غرایز حیوانی سرچشمه نمی‌گیرد. او با دیگر موجودات جهان نیز در ارتباط است، از آنها تأثیر می‌گیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد.

۳-۴. بقاع محلی مناسب برای تمرین عبودیت و بندگی

حضور افراد در بقاع متبرکه در اعیاد و مناسبت‌های مختلف مذهبی نیز اثرات تربیتی بالایی دارد؛ چراکه هریک از اعیاد، اعمال و اذکار مخصوص خود را دارد که از جانب ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} بر آن تأکید شده و انجام آن اثر تربیتی بالایی دارد و به خاطر بالا بودن تأثیر این اعمال در روح و روان و فکر و اندیشه انسان و شکل دهی به شخصیت او، برای این اعمال ثواب و اجر زیادی در نظر گرفته شده است. انجام این اعمال علاوه بر اثر روحی و معنوی برای شخص انجام‌دهنده در واقع تمرین عبودیت و بندگی برای انسان است. بنابراین یکی دیگر از دلایل اهمیت بقاع متبرکه به‌عنوان جایگاه تربیتی این است که این اماکن محلی برای تمرین عبودیت و بندگی هستند.

۳-۵. نقش الگویی امامزادگان مدفون در بقاع متبرکه

انسان فطرتاً عاشق کمال و از نقص و عیب‌گریزان است. همین امر باعث می‌شود که به دنبال الگوهای مطلوب و کاملی باشد، و چون الگوپذیری با فطرت انسان سازگار است، از مؤثرترین روش‌های تربیتی شمرده می‌شود.

از الگوهای قابل اقتدا و تأسی که امیرمؤمنان علی^{علیه‌السلام} سفارش می‌کند به آنها تأسی شود، اهل بیت عصمت و طهارت^{علیهم‌السلام} است؛ لذا فرمود: «مردم به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، از آن سو که گام برمی‌دارند، بروید؛ قدم جای قدمشان بگذارید؛ آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید؛ از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید، و از آنان عقب‌نمانید، که نابود می‌گردید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹، خطبه ۹۷).

البته پذیرش اهل بیت^{علیهم‌السلام} به‌عنوان الگو، یک سفارش بی‌حکمت و یک فرمان بی‌علت نیست؛ بلکه راز تأسی به آنها این است که آنان دین را چنان که باید دانسته‌اند و به‌کار گرفته‌اند و فهم درست دین و جامعیت آن و هندسه صحیح آن در اندیشه و راه رسم آنان جلوه دارد: «خاندان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} مایه حیات دانش، و نابودی جهل‌اند؛ بردباری‌شان شما را از دانش آنها خبر می‌دهد، و ظاهرشان از صفای باطن، و سکوت‌شان از حکومت‌های گفتارشان با خبر می‌سازد، هرگز با حق مخالفت نکردند و در آن اختلاف ندارند.

آنان ستون‌های استوار اسلام، و پناهگاه مردم هستند؛ حق به

وسیله آنها به جایگاه خویش بازگشت، و باطل از جای خویش رانده و نابود، و زبان باطل از ریشه کنده شد. اهل بیت پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} دین را چنان که سزاوار بود، دانستند و آموختند و بدان عمل کردند؛ نه آنکه شنیدند و نقل کردند؛ زیرا راویان دانش بسیار، اما حفظ‌کنندگان و عمل‌کنندگان به آن اندک‌اند» (همان، خطبه ۲۳۹).

امیرمؤمنان علی^{علیه‌السلام} درباره مردمی که در تربیت خویش به دنبال الگوهای اصلی و راستین نیستند؛ بلکه به دنبال مشابه و فرعی‌ها هستند، می‌فرماید: «مردم کجا می‌روید؟ چرا از حق منحرف می‌شوید؟ پرچم‌های حق برافراشته و نشانه‌های آن آشکار است؛ با اینکه چراغ‌های هدایت روشن‌گر راه‌اند؛ چون گمراهان به کجا می‌روید؟ چرا سرگردانید؟ درحالی که عترت پیامبر شما در میان شماست؛ آنها زمامداران حق و یقین‌اند؛ پیشوایان دین و زبان‌های راستی و راستگویان‌اند؛ پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند، به سویشان هجوم ببرید» (همان، خطبه ۸۷).

طبق این سخنان امیرمؤمنان^{علیه‌السلام} امامزادگان الگوهای هستند که هدایتگر افراد به سوی علم و دانش، تزکیه و در نهایت سعادت می‌باشند.

۳-۶. بقاع متبرکه محلی مناسب برای ارتباط فکری و

معرفتی زائران با امامزادگان

در حوزهٔ بینشی ارتباط فکری و معرفتی با امامزادگان مطرح است. این امر که به‌واسطهٔ فیض بردن از معارف اهل بیت^{علیهم‌السلام} که در غالب سخنرانی و مولودی و یا با مطالعه و تفکر بر ادعیه و زیارات حاصل می‌شود، فکر و اندیشه انسان را سیراب کرده و باعث می‌شود جایگاه خداوند متعال در عرصه تربیت انسان مشخص شود؛ ارزش‌های حاکم بر نظام تربیتی شناخته شده، و انسان کرامت و جایگاه خود در عرصه هستی در پرتو این معارف باز یابد. به این دلیل بقاع متبرکه به‌عنوان جایگاه مهم تربیتی در کسب معرفت شمرده می‌شوند.

۳-۷. دور بودن بقاع متبرکه از تشریفات

ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} محل خاصی را برای برپایی کلاس‌ها مشخص نمی‌کردند و هر کجا را که مناسب می‌دیدند و یا در هر محلی که سؤالی پیش می‌آمد، جواب سؤال را می‌دادند و دیگران را نیز از پاسخ خود بهره‌مند می‌کردند.

گاه این کلاس‌ها در مسجدالنبی، مسجدالحرام یا مسجد کوفه برگزار می‌شد و گاه در خانه امام و یا در طواف خانه خدا، سؤالی مطرح

است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. در اندیشه اسلام این اسوه و الگو در پیامبر اکرم ﷺ و در زمان بعثت ایشان منحصر نمی‌شود؛ بلکه در هر زمانی اهل بیت پیامبر ﷺ و امامزادگان به‌عنوان الگوی زندگی افراد هستند.

بنابراین داشتن ارتباط با انسان‌های بزرگ و اسوه، یکی از بهترین راه‌ها و شیوه‌های تربیتی به‌شمار می‌رود. روح و جان آدمی، در جریان این ارتباط، از کدورت‌ها و ناپاکی‌ها خلاص می‌گردد. این تأثیرپذیری، در پرتو الگوبرداری از رفتار، منش، خلق‌وخوی، حسنات و تمایلات انسان‌های بزرگ، به‌ویژه امامزادگان است. بنابراین این بزرگواران بهترین الگوهایی هستند که افراد جامعه می‌توانند از ارتباط با آنان، در مسیر رشد و تکامل خود، بهره‌برند. حضور در بقاع متبرکه و زیارت قبور امامزادگان می‌تواند به شناخت بیشتر آن بزرگواران و الگوبرداری از خصلت‌های الهی آنان بیانجامد و یا از طریق اشراق معنوی، بر روح و جان آدمی تأثیرگذار باشد.

۴-۲. بزرگداشت امامزادگان

یکی دیگر از راه‌کارهای تقویت و ارتقا بعد تربیتی بقاع متبرکه؛ بزرگداشت امامزادگانی است که مرقد شریفشان در آنجاست. یکی از آثار بزرگداشت این بزرگواران؛ پذیرش فرامین ائمه اطهار ﷺ و اطاعت از آنان است؛ چراکه ایشان در دامن معصوم رشد یافته و در مکتب آنها تربیت شده‌اند؛ بنابراین تربیت این امامزادگان نیز دقیق و کامل بوده و در جهت سعادت واقعی افراد است. با توجه به همین حقیقت است که در دعای ندبه می‌خوانیم؛ «سعادت‌مند واقعی کسی است که از ائمه اطهار ﷺ اطاعت کند». اطاعت، ثمره و میوه نهال محبت است که در بستر معرفت ریشه دوانده و بزرگداشت امامزادگان بهترین بستر برای معرفت و محبت و اطاعت و فرمان‌بری از ائمه اطهار ﷺ و در نتیجه تربیت معنوی و روحی است.

۴-۳. بهره‌گیری از مربیان توانمند و متخصص در

بقاع متبرکه

یکی دیگر از راهکارها جهت تقویت و ارتقا بعد تربیتی بقاع متبرکه؛

می‌شد. زمانی که جو سیاسی خفقان بود، خانه امام بهترین مکان تعلیم و تربیت بود. زمانی نیز که آزادی نسبی سیاسی برقرار بود، معصومان ﷺ در مساجد خطبه می‌خوانند و یا کلاس علمی تشکیل می‌دادند.

امیرمؤمنان علی ﷺ برای تأثیرگذاری بیشتر بر افراد، بخصوص کسانی که مانند کمیل بن زیاد، انفرادی مورد تعلیم قرار می‌گرفتند، صلاح می‌دیدند مکان‌های خاصی در نظر گرفته شود، تا آنچه را آموزش می‌دهند، متعلم با عمق جانش درک کند.

کمیل می‌گوید: امام علی ﷺ دست مرا گرفت و به بیابان برد؛ چون به صحرا رسید، آه سردی کشید و سپس فرمود: ای کمیل! این دل‌ها ظرف‌هایی هستند و بهترین آنها، دل‌هایی است که علم و معرفت را بهتر و بیشتر در خود نگاه دارد... بیابان برای کمیل، جایی مناسب بود؛ زیرا از فرب‌های زینده دنیایی خالی است. این مکتب و کلاسی است که (امام) برای کمیل پایه‌ریزی کرده، مکتبی ویژه در خلوت و دور از سر و صدای بیگانگان و دور از هر نوع تشریفات که در آن، جز حق و حقیقت و صفحاتی از کتابی که به دست توانای پروردگار نوشته شده، اثری نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۱۳).

امروز یکی از بهترین مکان‌هایی که همگان می‌توانند به دور از تشریفات سخت، برای تعلیم و تربیت در آنجا حضور پیدا کنند، بقاع متبرکه است؛ چراکه این اماکن مذهبی فارغ از هر قیل و قال هستند و علاوه بر اینکه به لحاظ معنوی و روحی انسان را به آرامش می‌رسانند، از نظر ظاهری نیز زیبایی‌هایی دارند که او را مجذوب خود می‌کنند.

۳-۸. بقاع محلی مناسب برای مراقبه اعمال

بقاع متبرکه مکانی برای تذکر و توجه است. افرادی که در این مکان‌ها حضور پیدا می‌کنند، به اعمال و رفتار خود فکر می‌کنند و سعی بر اصلاح اعمال نادرست خود دارند. از این‌رو، بازدارندگی که به‌واسطه حضور در این اماکن در فرد ایجاد می‌شود، عاملی مهم برای تربیت و به‌ویژه تربیت دینی و معنوی است.

۴. راه‌کارهای تقویت و ارتقا بعد تربیتی بقاع متبرکه

۴-۱. برجسته‌کردن نقش الگویی امامزادگان

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت انسان، داشتن الگویی جامع و کامل است. با توجه به همین نیاز اساسی است که در قرآن شریف پیامبر اکرم ﷺ به‌عنوان الگو و اسوه مسلمانان معرفی شده

برای پر کردن اوقات فراغت کودکان، نوجوانان و جوانان به مناسبت‌های مختلف؛ دوره‌های آموزشی ویژه و مناسب هر سن، مسابقه‌های کتاب‌خوانی، اردوهای تفریحی - زیارتی و... از طرف بقاع متبرکه برگزار شود و افراد برای شرکت در این دوره‌های آموزشی، مسابقات و اردوها ترغیب و تشویق شوند. این کار باعث می‌شود که اوقات فراغت آنها به طور مفید و با معنویت پر شود و آنها متوجه می‌شوند که بقاع متبرکه علاوه بر اینکه جایگاه عبادت است، مکانی برای آموزش‌ها و تفریحات سالم نیز هست.

بنابراین بهره‌برداری از بقاع متبرکه در جهت گذراندن اوقات فراغت، علاوه بر اینکه بعد تربیتی اماکن متبرکه را تقویت می‌کند، در جهت تبدیل شدن بقاع متبرکه به قطب فرهنگی و ارتقا بعد دینی و اعتقادی افراد مؤثر خواهد بود.

۵. آثار تربیتی حضور افراد در بقاع متبرکه و

زیارت امامزادگان

۵-۱. سلامت قلب

تربیت صحیح و کامل در سلامتی و پاکی روان انسان ریشه دارد، و هیچ سلامتی و پاکی به سلامتی و پاکی قلب نمی‌رسد. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: در قلب‌های پاک بندگان محل‌های نگاه (رحمت‌آمیز) الهی است؛ پس هر کس قلب خود را پاک کند، خداوند به او نظر می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲، ص ۴۳۰).

حضور در بقاع متبرکه برای زیارت و دعا دارای اهمیت بسیاری است؛ چراکه می‌تواند در برطرف کردن نیازهای معنوی انسان نقش سازنده‌ای داشته باشد.

در زیارت، انسان با تمامی نواقص و کمبودهایش در برابر یک انسان کامل قرار می‌گیرد و از آنجاکه انسان یک موجود کمال‌گراست و تلاش می‌کند خود را به کمال مطلق نزدیک کند، زیارت، اسباب این صعود را برای او فراهم می‌کند. از طرف دیگر زیارت می‌تواند در انسان تحول روحی عظیمی را ایجاد کند و اگر کسی به زیارت برود و این تحول روحی را در خودش احساس نکند، پس هیچ سودی از زیارت عایدش نشده است (واعظ جوادی، ۱۳۸۵، ص ۸۱-۸۳).

اهل ایمان به برکت وجود ارتباط سازنده با پروردگار، طبق تصریح قرآن، در آرامش و امنیت روانی کامل به سر می‌برند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدُّوْا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ

بهره‌گیری از مریبان توانمند، متعهد و متخصص است. در این خصوص مریبان در ابتدا باید در جهت ارتقای سطح معرفت و بینش خود عمل کنند و سپس به راهنمایی و تربیت دیگران پردازند؛ چراکه انتخابگری و سپس التزام عملی افراد، جز در پرتو معرفت‌بخشی به آنان مقدر یا پابرجا و ماندگار نخواهد بود. این بینش باید هم در خصوص نظام هستی، هم در مورد دنیا و خصوصیات آن، و هم در خصوص حقیقت انسان باشد؛ و فقط و تنها در پرتو این معرفت همراه با بصیرت است که افراد می‌توانند در مسیر خدایی شدن گام بردارند. بی‌شک چنین انسانی در طول مسیر زندگی خویش در انجام هر عملی خود را در مرعی و منظر خداوند دانسته و چون او را ناظر می‌داند، از انجام کارهای ناشایست اجتناب می‌کند و یا اگر آن را انجام داد، استغفار کرده و توبه می‌کند. بنابراین بهره‌گیری از مریبان متعهدی که در ابتدا به ارتقای سطح معرفت خود می‌اندیشند و از توان و تخصص تربیتی بالایی برخوردارند، می‌تواند در تقویت بعد تربیتی بقاع متبرکه تأثیر زیادی داشته باشند.

۴-۴. فضا سازی و برنامه‌ریزی برای انجام مراسمات

مناسب با شرایط سنی

فضا سازی مناسب برای تربیت افرادی که در بقاع متبرکه حضور پیدا می‌کنند، از دستورالعمل‌های مستقیم مهم‌تر است. در فضا سازی، وضعیت به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که نتایج ملموس و بهتری به همراه خواهد داشت. بنابراین در مناسبت‌های مختلف که مراسم خاص آن مناسبت برگزار می‌شود، برنامه‌ریزی برای گروه‌های سنی مختلف، با توجه به آن مراسم ضروری است. در صورتی که برای گروه‌های سنی مختلف، برنامه‌های متنوع و مناسب با سن آنها برگزار گردد، میزان استفاده و اثربخشی آن مراسم بیشتر خواهد بود.

۴-۵. برنامه‌ریزی برای پر کردن اوقات فراغت

نوجوانان و جوانان مناسب با شرایط منطقه

با رواج اسلام در ایران، شهرها و روستاهای کشور تبدیل به مراکزی برای زندگی و پس از مرگ امام‌زاده‌ها و شخصیت‌های برجسته مذهبی، مقبره‌هایشان به محلی برای زیارت مشتاقان تبدیل شده که یکی از جنبه‌های مهم گذران اوقات فراغت در زندگی مردم به حساب می‌آید (منصوری، ۱۳۸۴، ص ۶۳).

و بالاخره به فنا و نابودی محدود است؛ ولی نیروی روح نامحدود است و دستخوش دگرگونی‌های زمان و مکان نمی‌شود. روش اسلام در پرورش روح آن است که پیوستگی خلل‌ناپذیری را میان انسان و خدا در تفکر و شعور و عمل انسانی در هر لحظه و هر جا ایجاد کند؛ و بدین منظور از راه‌های مختلف بهره می‌گیرد. روح در آیین اسلامی به‌گونه‌ای تربیت می‌شود که به هر چیز ارزشمندی محبت بورزد، به‌ویژه محبت میان افراد بشری، که بخشی از منظور نهایی تربیت اسلامی است (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۹۰).

حضور در بقاع متبرکه، سبب می‌شود که فرد در هماهنگی با محیطی که در آن قرار گرفته برای دقایق یا ساعاتی، کشمکش‌های درونی و تضادهای روانی خویش را به فراموشی بسپارد و در نتیجه به تربیت روح و روان خود بپردازد.

۵.۵. آرامش درونی

حضور در بقاع متبرکه و زیارت امامزادگان در برطرف کردن افسردگی و اضطراب و ایجاد سلامت روانی در افراد و احساس آرامش درونی و تخلیه هیجانی، بسیار مؤثر و اثربخش است. در زیارت فرد با حضور در حرم امامزادگان نسبت به آنان عرض ارادت کرده، به طرح مسائل و مشکلات خود و اجتماع با پروردگار می‌پردازد، و با واسطه قرار دادن آنان، آرزوهای خود را طلب می‌کند. زائر در حین زیارت با نزدیک کردن خود به پروردگار احساس آرامش درونی کرده، تخلیه هیجانی انجام می‌دهد. این امر نیز در نهایت به سلامتی روانی فرد کمک می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

وقتی انسان به زیارت نایل می‌شود، حالاتی چون حزن و گریستن، دعا و اعتکاف و نیایش، انجام می‌دهد و لطف خداوندی و نظر آن بزرگوار (مزور)، نتیجه و هدیه‌ای است که نصیب او می‌شود. زائر، تحت تأثیر فضای روحانی آن مکان مقدس قرار می‌گیرد و اشک و گریه، اولین قدم زیارت است. عرفا معتقدند حداقل بهره‌ای که از عبادات و زیارت می‌توان برد، پیدا کردن حالات حزن و گریستن است، که به آرامش و رضایت‌مندی از زندگی می‌انجامد و گریه برای اولیا و انبیا، از شوق و پیروزی است (واعظ جوادی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳-۱۵۴).

جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح: ۴). از آنجاکه ناپهنجاری‌های روانی و رفتاری در انسان هنگامی شروع می‌شود که احساس ناامنی در انسان به شدت حاکم گردد؛ لذا می‌توان با حضور در بقاع متبرکه و انجام مناسکی همچون زیارت و دعا و برقراری پیوندی قوی با خالق متعال، بر این ناامنی غلبه کرد و سرانجام به سلامت قلب فرد کمک کرد.

۵.۲. گناه‌زدایی

گناه اثری تاریک بر دل آدمی می‌گذارد و میل و رغبت به انجام کارهای نیک و خدایی را کاهش می‌دهد. در عوض حضور در بقاع متبرکه و زیارت امامزادگان، و ذکر و یاد خدا، وجدان خدایی را در دل انسان پرورش می‌دهد و علاقه به انجام کار نیک را در وجود انسان بیشتر کرده، موجب تقرب به پروردگار و دوری از فساد و شر و گناه می‌گردد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵)؛ نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد. چه تصمیم‌های بزرگی که با اصلاح درون سرنوشت انسان را تغییر داده است. حضور در بقاع متبرکه و زیارت امامزادگان، زمینه‌ساز این تقابل و تقارن و مقایسه و محاسبه است و تا این سنجش انجام نگیرد، به کاستی‌های اخلاقی و ضعف‌های معنوی خود واقف نخواهیم شد (آقایی، ۱۳۸۶).

۵.۳. تقویت روحیه امید در فرد و جامعه

زیارت امامزادگان در فرهنگ اسلامی - ایرانی دارای اهمیت ویژه‌ای است. مفهوم زیارت از یک سو، ارتباط تنگاتنگ با بعد مذهبی جامعه ایران دارد و از سوی دیگر، آثار اجتماعی - روانی زیادی بر جامعه باقی می‌گذارد. از جمله آثار زیارت، تقویت روحیه امید در جامعه است (چهاربالش، ۱۳۸۹، ص ۱۲). بنابراین اثر مهم تربیتی حضور در بقاع متبرکه، تقویت امید در فرد و جامعه است و موجب خواهد شد بسیاری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها مرتفع گردد.

۵.۴. تربیت روح

اسلام عنایت خاصی به پرورش روح دارد؛ چون مرکز و کانون شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد. بدون تردید روح بزرگ‌ترین نیرو در وجود و هستی است؛ چون نیروی جسمی بشر به امور مادی و محسوسات و نیروی عقل به معقولات و زمان، مکان و آغاز و انجام،

۵.۶. تقرب به خدا

یکی از آثار تربیتی حضور افراد در بقاع متبرکه و زیارت امامزادگان این است که آنها را به سوی تقرب به خداوند، هدایت و رهنمون می‌سازند. والاترین هدف خلقت، الهی شدن انسان و قرب به خداوند است. این نص قرآن کریم است که: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوسٌ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶)؛ و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیک‌تریم.

هدف، نزدیک شدن ما به خداوند، از طریق کسب فضایل، از راه آراسته شدن به مکارم اخلاق، از راه تخلق به اخلاق الله، به‌وسیله بندگی و طاعت و اخلاص و تقواست. زیارت، چون پیوند و تجدید عهد با بندگان خالص خداوند است؛ زمینه کسب صفات شایسته و عامل رشد معنوی و در نتیجه تقرب به خدا می‌گردد. وقتی در زیارت، انسان ناقص در برابر انسان کامل قرار می‌گیرد و به آن الگو توجه می‌کند، انگیزه کمال‌یابی، او را به قرب معنوی به خدا می‌کشد و زیارت، مایه تقرب می‌گردد (آقایی، ۱۳۸۶).

۵.۷. توجه به خدا

یکی از ویژگی‌های انسان، خداجویی است. سعدی با استناد به آیه شریفه «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹)، بر این باور است که در درون آدمی گوهری تعبیه شده که او را به خدا می‌رساند؛ به شرط اینکه دل را از غبار تیرگی و خودپرستی به دور دارد، تا نور خداوندی در آن بتابد؛ که از آدمی تا خدا بیش از یک قدم راه نیست؛ جوانمرد از تو تا خدا یک قدم راه است؛ دانی چه کنی بگویم یا نه؟ خود را فراموش کن و با لطف حق دست در آغوش کن (سعدی، ۱۳۹۳، تقریر پنجگانه، ص ۳۱).

اساس تربیت فرد مسلمان «ذکر خداست»، زائری که بر مرقد امامزادگان با ادب و احترام وارد می‌شود، باید به یاد خدا افتد؛ چراکه اهل بیت علیهم‌السلام واسطه خالق و خلق‌اند؛ راه منتهی به خدایند؛ زیارتشان، یادآور خداوند است. وقتی توجه به خدا، نقش تربیتی و سازنده و بازدارنده از گناه دارد، قطعاً این توجه، در کنار مزار اولیای خدا بیشتر و شدیدتر است. حضور در بقاع متبرکه و زیارت امامزادگان، جدا از یاد خدا و منفصل از معنویت و روحانیت نیست (آقایی، ۱۳۸۶).

۵.۸. امنیت روانی فرد و جامعه

افراد مذهبی که به امامزاده‌ها اعتقاد دارند و جهت زیارت، به حضور آن بزرگواران می‌رسند، دارای این احساس و یقین هستند که آن امامزاده با آنها همدلی برقرار کرده است؛ او زنده است و حضور دارد و با آنها یک ارتباط حاکی از محبت و صداقت برقرار کرده است. در واقع، کسانی که به زیارت می‌روند و به امامزاده‌ها اعتقاد دارند، در اثر حضور در بقاع متبرکه احساس امنیت روانی می‌گردند؛ زیرا احساس می‌کنند به نزد کسی آمده‌اند که با آنها همدل است؛ به آنها محبت دارد و اسرار آنها را صادقانه حفظ می‌کند. گاهی حتی بسیاری از مشکلات عاطفی و روانی انسان‌ها به این دلیل است که فاقد فردی امانت‌دار، در زندگی خود هستند، که دارای چنین خصوصیتی است.

در فرهنگ شیعیان و براساس منابع شیعی، قابل اعتمادترین موجودات عالم، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر معصومان و فرزندان ایشان هستند. به همین دلیل زائرین در زیارتگاه‌های این بزرگواران به بهترین شکل ممکن به تخلیه هیجانی خود می‌پردازند.

نتیجه‌گیری

۱. تربیت عالی‌ترین هدف پیامبران و اساسی‌ترین پیام کتاب‌های آسمانی و اولین و ضروری‌ترین وظیفه والدین است. ضرورت و اهمیت تربیت، افراد را بر آن می‌دارد که به این مسئولیت بزرگ توجهی دوچندان داشته باشند؛ برای ایفای درست آن، خود را به سلاح و آگاهی از روش و فنون تربیت مجهز سازند و با الگوگرفتن از مربیان موفق در انجام دادن این وظیفه مهم بکوشند. بی‌شک اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام موفق‌ترین مربیان و سیره قولی و عملی آنها مطمئن‌ترین الگو برای افراد در امر ظریف و پریچ‌وخم تربیت است.

۲. بقاع متبرکه که بسیاری از امامزادگان آرمیده در آنها خود یک رهبر دینی بوده و در جهاد با حاکمیت‌های جور به شهادت رسیده‌اند، کارکردی مشابه با کارکرد ائمه مقدس علیهم‌السلام اما در مقیاسی کوچک‌تر و گاه منطقه‌ای دارد در این میان نقش این بقاع متبرکه در شکل‌گیری فرهنگ دینی درخور توجه است؛ چراکه درس‌آموزه‌های فراوان این بزرگان در میدان جهاد علمی و عملی بستر طرح ارزش‌های دینی و به‌تبع آن ارائه منظومه‌ای از شاخصه‌های فرهنگ‌ساز را فراهم کرده است.

۳. توجه به امامزادگان و حضور در اماکن مقدس، علاوه بر تقویت معنویت و ارتباط با خداوند متعال، موجب افزایش روحیه محبت، تعامل،

تعاون و فضایل اخلاقی و غنی‌سازی فرهنگی جامعه خواهد شد.

۴. بزرگداشت امامزادگان زمینه‌ای با ظرفیت بسیار بالا در جهت تأثیرگذاری بر فرایند تربیت بوده و می‌توان با بهره‌گیری از این ظرفیت علاوه بر تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف فردی، ارتباطات او را جهت داد و با چشاندن شهد و حالات عبادت و بندگی خدا به انسان، در پرتو دعا و عبادات، زمینه رسیدن به رشد و تعالی او را فراهم کرد.

۵. مهم‌ترین هدف امامزادگان از مهاجرت و حضور در بلاد اسلامی نشر معارف اسلامی بوده که این علوم در رشد و تربیت فردی و اجتماعی جامعه همواره تأثیرگذار بوده است. باید این رسالت در آستان مقدس امامزادگان با اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی با همان هدف نشر و ترویج معارف الهی دنبال شود.

پیشنهادات

۱. ساختار نظام‌مند تربیتی و فرهنگی در امامزادگان و بقاع متبرکه ایجاد شود تا به‌تبع آن برنامه‌ریزی‌های هدفمند و مؤثری در راستای بعد تربیتی انجام پذیرد.

۲. متناسب با شرایط مختلف (جغرافیایی، سنی و...) برای انجام مراسم‌ها و مناسبت‌های مختلف برنامه‌ریزی صورت گیرد.

۳. در کنار روحانیون و حوزه‌های علمیه، از توان مربیان متعهد و متخصص تربیتی و روان‌شناسان، استفاده بیشتری به‌عمل آید تا در جهت جذب حداکثری افراد از گروه‌های مختلف موفق عمل کنند.

۴. تعامل بیشتر با دستگاه‌های آموزشی و تربیتی، به‌ویژه آموزش و پرورش برای برگزاری مراسم‌های مذهبی دانش‌آموزی در بقاع متبرکه، صورت پذیرد.

۵. تأثیر بقاع متبرکه بر ابعاد مختلف تربیت (دینی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی) از طریق انجام پژوهش‌های مستقل مشخص گردد، تا متناسب با نتایج آن برنامه‌ریزی‌های لازم در بقاع متبرکه صورت پذیرد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۹، ترجمه محمد دشتی، قم، اشکذر.

ابراهیم‌زاده، عیسی، ۱۳۸۳، *فلسفه تربیت*، تهران، دانشگاه پیام نور.

اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۷، *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، سمت.

اکبری، مهرانوش، ۱۳۸۸، «اهمیت جایگاه تربیت دینی»، *پیام زن*، ش ۲۰۷، ص ۹۴-۹۰.

امیری، محمدعلی، ۱۳۸۳، *تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش*، تهران، مدرسه.

ایمانی، علی‌اکبر، ۱۳۹۴، «نقش فرهنگی بقاع متبرکه در جامعه»، در: *کنگره ملی حضرت محمد هلال‌بن علی*، قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن.

الیوت، تی. اس، ۱۳۸۷، *درباره فرهنگ*، ترجمه حمید شاهرخی، تهران، نشر مرکز.

آقایی، یاسر، ۱۳۸۶، «مبانی فکر و اعتقادی زیارت»، در: *مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت*، گروهی از مؤلفان، تهران، مشعر.

باباخانی، لیلا، ۱۳۹۱، *فعالیت‌های فرهنگی*، چ سوم، تهران، ساکو.

پژوهنده، محمدحسین، ۱۳۷۴، «بازشناسی فرهنگ: مفهوم فرهنگ از دیدگاه متفکران»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ش ۲، ص ۹۵-۶۵.

تیموری، بهزاد، ۱۳۹۷، «کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامزاده‌ها، بقاع متبرکه و روادگاه‌های ایوان»، *فرهنگ ایلام*، ش ۵۹-۵۸، ص ۲۰۳-۲۲۲.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *اسرار عبادات*، چ سوم، تهران، الزهراء.

چهاربالش، مریم، ۱۳۸۹، «گردشگری زیارتی بستر توسعه اجتماعی»، *روزنامه جام جم*، ش ۳، ص ۱۲.

خرمشاهی، بهاء‌الدین و دیگران، ۱۳۸۶، *دایرةالمعارف تشییع*، تهران، شهید سعید مجبی.

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۷، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران، دریا.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.

رحمانی ولوی، مهدی، ۱۳۸۳، *تاریخ علمای بلخ*، مشهد، پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۹۳، *کلیات سعدی*، براساس تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، مرز فکر.

سیاوشی، کرم و ندا سلیمانی فر، ۱۳۹۵، «بقاع متبرکه به مثابه قطب فرهنگ»، در: *کنگره ملی امامزادگان اشرف*، قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

شریعتمداری، علی، ۱۳۷۹، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر.

صفوی، امان‌الله، ۱۳۶۹، *کلیات روش‌ها و فنون تدریس*، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

طباطبایی، سیدعبدالعزیز، ۱۴۱۷ق، *معجم اعلام شیعیه*، قم، آل‌البیت.

طبری، عمادالدین، ۱۳۸۳، *بشارة المصطفی*، نجف، چاپ کتابخانه حیدریه.

کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۸۰، *سازهای تربیت و دموکراسی*، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۲، *منتخب میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ سوم، قم، دارالحدیث.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵، *پیام امام امیرالمؤمنین*، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

منصوری، علی، ۱۳۸۴، *نقش گردشگری در برنامه‌ریزی شهری*، تهران، رساله دکتری، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تهران، دانشگاه تهران.

واعظ جوادی، مرتضی، ۱۳۸۵، *فلسفه زیارت و آئین آن*، قم، اسراء.

یوسفی جولندان، منصور، ۱۳۸۶، «کارکرد مزارات»، در: *مقالات هم‌اندیشی زیارت*، تهران، مشعر.